

NATK
GEOGR



چرا

خلیج فارس؟

محمد حسین احسانی
دبیر جغرافیا - سمنان

Gulf

Persian Gulf

خلیج فارس و ویژگی های آن

مجله‌ی معروف و قدیمی «نشنال جئوگرافیک»^۱ یکی از معتبرترین و آموزنده‌ترین مجلات در آمریکا و دنیاست که در بیش‌تر مناطق جهان توزیع و خوانده می‌شود. در اطلس جغرافیایی این سازمان، زیر «خلیج فارس» با حروف کوچک‌تر نوشته شده است: «خلیج عربی».

این اقدام مؤسسه‌ی نشنال جئوگرافیک، با اعتراض بسیاری گسترده‌ی ملت و دولت ایران و همچنین بعضی از ارگان‌های جهانی مواجه شد و به اعتبار نشریه ضربه زد؛ تا جایی که در سایت معتبر «آمازون»، میزان آرای منفی بازدیدکنندگان به این نشریه، باعث سقوط ارزش آن در این سایت شد. همچنین، پست الکترونیک این مؤسسه از نامه‌های اعتراض آمیزی که همه روزه از نقاط گوناگون جهان ارسال می‌شد، اشباع شد.

خلیج فارس پیشرفتگی آب در سرزمینی است که تا محور ۱۰۰۰ کیلومتر (از شط العرب تا تنگه‌ی هرمز) ادامه دارد. مدخل آن در تنگه‌ی هرمز حدود ۸۵ کیلومتر و بخش پایانی آن در رأس خلیج فارس حدود ۳۲۰ کیلومتر است. «بیش‌ترین عرض آن نیز ۳۲۵ کیلومتر است. مساحت خلیج ۲۲۶ هزار کیلومتر مربع و ژرفای متوسط آن ۳۵ متر ثبت شده است که در پاره‌ای نقاط به ۹۰ تا ۱۰۰ متر نیز می‌رسد. بنابراین، برخلاف دریای سرخ که در غرب جزیره العرب واقع است و دریای کم عمقی به شمار می‌آید، خلیج فارس در منطقه‌ای فرو رفته است که در جنوب آن، فلاتی لم یزرع و به نام ربع الخالی و در شمال آن فلات دیگری با نمایی از کوهپایه‌های زاگرس قرار گرفته است. پژوهش‌های زمین‌شناسان نشان داده است که این خلیج، چندین خلیج فرعی دارد و در دوره‌ی سوم زمین‌شناسی به وجود آمده که روزگاری برخی از جزیره‌های آن آتشفشانی بوده اند [همان، ۱۱].

ورود خبرنگاران این نشریه به ایران ممنوع شد و وزارت خارجه و دولت ایران، رسماً علیه این توهین آشکار، موضع‌گیری کردند. همچنین، طومارهای اینترنتی با ده‌ها هزار امضا علیه این اقدام موهن شکل گرفتند.

خلیج فارس، همواره در تمام مدارک رسمی سازمان ملل و سایر سازمان‌های بین‌المللی به این نام آمده است. جای تعجب است، چرا در چنین زمانی که جنگ و اختلاف در دنیا این قدر شدت یافته، نشریه‌ای غیرسیاسی تصمیم گرفته است، نامی نادرست را به نقشه‌ی جهان اضافه کند. این عمل می‌تواند به اختلافات موجود بین کشورهای منطقه بیش از پیش دامن بزند.

البته کشورهای عربی در گذشته کوشیده‌اند، خلیج فارس را خلیج عربی بنامند، ولی نام رسمی این منطقه همیشه خلیج فارس بوده است، نه خلیج عربی.

چندی بعد، مؤسسه‌ی نشنال جئوگرافیک از این اقدام خود عقب‌نشینی کرد. هم‌اکنون سایت اینترنتی نشنال جئوگرافیک اصلاح شده و عبارت خلیج عربی حذف و به جای آن جملات دیگری به این مضمون در پراکنش ذکر شده‌اند:

Historically and most commonly known as the Persian Gulf. This body of water is referred to by some as Arabian Gulf.

که ترجمه‌ی آن چنین می‌شود: از نظر تاریخی و معمولاً نام آن خلیج فارس است. برخی نیز به آن خلیج عربی می‌گویند.

امیدواریم پس از این هرگز شاهد چنین نقص آشکار حقوق سرزمینمان نباشیم. این مقاله تلاشی است برای بررسی نام خلیج فارس که از دوران باستان، «فارس» نام داشته است و سابقه‌ی جعل عنوان خلیج و هدف‌های بیگانگان از طرح عنوان‌های جعلی برای خلیج همیشه فارس.

نام خلیج فارس در اسناد و مدارک

در طول تاریخ همواره خلیج فارس هویت و نام خویش را حفظ کرده است و نویسندگان، مورخان، جغرافیدانان و نقشه‌برداران مشهور جهان، از این منطقه‌ی جغرافیایی نام خلیج فارس یاد کرده‌اند. بررسی مختصر نوشته‌ها و دیگر اسنادی که از مورخان، جغرافیدانان و نقشه‌برداران یونانی، رومی و مسلمان به جا مانده‌اند، بیانگر اهمیت تاریخی این نام است.

بررسی اسناد تاریخی نشان می‌دهد که نام خلیج فارس، از زمان حکمرانان سومری بین‌النهرین در هزاره‌ی سوم پیش از میلاد مسیح، برای این منطقه به کار برده می‌شده است. نام خلیج فارس در نقشه‌ی جهانی، «هیکاتیوس» (قرن پنجم پیش از میلاد مسیح) آورده شده و در سه نسخه‌ی گوناگون آلمانی، فرانسوی و انگلیسی موجود است. [نیک ضمیر، ۱۳۸۲: ۱۲].

نقشه‌ی جهانی «هرودوت» نیز که به زبان انگلیسی و آلمانی به چاپ رسیده است، مؤید قدمت نام خلیج فارس است.

در کهن‌ترین نام‌گذاری‌ها، دریای جنوبی ایران را «نارمروت»^۲ به معنای رود تلخ نامیده‌اند، اما پس از مهاجرت آریایی‌ها و حرکت آن‌ها به جنوب کشور، قوم ایرانی پارس که حکمرانی خود را بر منطقه آغاز کرد، نام خود را به خلیج مزبور داد و از آن زمان،

خلیج فارس در جهان نام آور شد؛ به همان سان که قوم کوچک و کم جمعیت عرب که در کنار «دریای احمر» زندگی می کرد، آن دریا را به نام خود خلیج عربی نام گذاری کرده بودند. [تکمیل همایون، ۱۳۸۰: ۲۶].

از دوره ی هخامنشیان، نام خلیج فارس (دریای پارس) شناخته شده بود و اسکندر مقدونی که به قصد تسخیر سرزمین های مشرق وارد سرزمین های ایران شده بود، خود را به دریای پارس رساند و در آن کشتی رانی کرد. از میان مورخان یونانی، فلاویوس آریانوس (قرن دوم میلادی) و هم زمان با وی، بطلمیوس و نیز مورخان رومی، از این دریا به نام پارس یاد کرده اند و این نام به زبان های فرانسه، انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی، روسی، ژاپنی، چینی و ترکی و عربی و جز این ها راه پیدا کرده است.^۳

خبرگزاری میراث فرهنگی در سایت اینترنتی خود در دی ماه ۱۳۸۳، در خصوص نام خلیج فارس این چنین آورده است:

داریوش، خلیج فارس را دریای پارس نام نهاد

بیش از دو هزار سال پیش، آن هنگام که داریوش بزرگ، کانال داریوش را که بعدها به سوئز مشهور شد، ساخت و به این ترتیب، دریای سرخ را به خلیج عدن و اقیانوس هند پیوند داد، به یادگار از خود، کتیبه ای در آن جا نصب کرد که قدیمی ترین سند دنیا به شمار می رود و نام خلیج فارس را در خود جای داده است. این کتیبه، اکنون در موزه ی لوور نگهداری می شود. دکتر داریوش اکبرزاده، سرپرست بخش کتیبه های موزه ی ملی ایران، در این باره می گوید: «کتیبه ی کانال سوئز، یکی از مهم ترین اسنادی است که نام خلیج فارس در آن با ظرافت تمام ذکر شده است. این کتیبه که به صراحت فرمان داریوش بزرگ را در حفر کانال سوئز بیان می کند، ۱۲ سطر دارد و به زبان فارسی باستان نوشته شده است. سطر اول تا چهارم این کتیبه، به ستایش اهورامزدا اختصاص دارد و در سطر چهارم، توصیف سرزمین پهناور بزرگی به میان آمده که داریوش، شاه آن است.»

او در خصوص نام خلیج فارس در این کتیبه می گوید: «سطر هفتم کتیبه از زبان داریوش می گوید: داریوش شاه. من پارسی ام، پارس و مصر را گرفتم. من دستور دادم این جویبار (کانال) را کنند از سوی رود پیراوه (پراب = نیل) که در مصر جاری است و به سوی دریای پارس می رود. سپس دستور دادم این جویبار را بکنند و آن چنان که دستور دادم، کنده شد و ناوگان از این جا، یعنی از مصر، به آن سوی یعنی پارس، حرکت کرد، آن چنان که مرا کام بود.

در سطر دهم این کتیبه با عبارت «ابی دریه تیه هچا پارسا ائی تی»، به صراحت به نام دریای پارس اشاره کرده و هیچ شکی وجود ندارد، آب هایی که اکنون خلیج فارس نام دارد، آن زمان دریای پارس

قلمداد می شده اند [سایت اینترنتی خبرگزاری میراث فرهنگی، ۱۳۸۳].

خلیج فارس در دوره ی اسلامی

اما در دوره ی اسلامی، از آغاز فتوحات تاکنون، همه ی مورخان و جغرافیدانان مسلمان (ایرانی، عرب و ترک) نام این خلیج را «بحر فارسی»، «خلیج الفارسی»، «خلیج فارس» و «دریای پارس» آورده اند. بر پایه ی پژوهش استاد محمد جواد مشکور، مؤلفان بزرگی که در منابع خود به این نام اشاره کرده اند، به ترتیب حیات عبارتند از:

- ابن فقیه، در کتاب البلدان (تألیف ۲۷۹ ق): بحر فارسی.
- ابن رسته، در کتاب اطلاق النفیسه (تألیف ۲۹۰ ق): خلیج الفارسی.

- سهراب (قرن سوم قمری)، در کتاب عجائب الاقالیم السبعه: بحر فارس.

- ابن خردادبه (در گذشته ۳۰۰ ق)، در کتاب المسالک الممالک: بحر فارس.

- بزرگ بن شهریار، در کتاب عجایب الهند (تألیف ۳۴۲ ق): بحر فارس.

- اصطخری (در گذشته ۳۴۶ ق)، در کتاب المسالک و الممالک: بحر فارس.

- اصطخری، در کتاب الاقالیم: بحر فارس.

- مسعودی (در گذشته ۳۴۶ ق)، در کتاب مروج الذهب: بحر فارس.

- مسعودی، در کتاب التنبیه و الاشراف: بحر الفارس.

- ابن مطهره، در کتاب البدء و التاریخ (تألیف ۳۵۵ ق): خلیج الفارس.

- ابوریحان بیرونی (در گذشته ۴۴۰ ق)، در کتاب التفهیم: خلیج پارس؛ دریای پارس.

- در کتاب قانون المسعودی: دریای فارس.

- در کتاب تحدید نهایات الاماکن: بحر فارس.

- ابن حوقل، در کتاب صوره الارض (تألیف ۳۶۷ ق): بحر فارس.

- مؤلف ناشناخته، حدود العالم من المشرق الی المغرب (تألیف ۳۷۲ ق): خلیج فارس، دریای پارس.

- مقدسی، در کتاب احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم (تألیف ۳۷۵ ق): بحر فارس.

- محمد بن نجیب، در کتاب جهان نامه (تألیف قرن چهارم قمری): بحر پارس.

- ابن بلخی، در کتاب فارسنامه (تألیف حدود ۵۰۰ ق): بحر فارس.

- ظاهر مروزی، در کتاب طبایع الحیوان (تألیف حدود ۵۱۴ ق):



الخلیج الفارس .

- شریف ادریسی (در گذشته ۵۶۰ ق)، در کتاب نزهه المشتاق:

بحر فارس .

- یاقوت حموی (در گذشته ۶۲۶ ق)، در کتاب معجم البلدان:

بحر فارس .

- زکریای قزوینی (در گذشته ۶۸۲ ق)، در کتاب آثار البلاد:

بحر فارس .

- زکریای قزوینی، در کتاب عجایب المخلوقات: بحر فارس .

- انصاری دمشقی (در گذشته ۷۲۷ ق)، در کتاب نخبه الدهر:

بحر فارس .

- ابوالفداء (در گذشته ۷۳۲ ق)، در کتاب تقویم البلدان:

بحر فارس .

- شهاب الدین احمد نویری (در گذشته ۷۳۳ ق)، در کتاب نهاییه

الارب: خلیج فارس .

- حمداله مستوفی قزوینی (در گذشته ۷۴۰ ق)، در کتاب نزهه

القلوب: بحر فارس .

- ابوحنفص ابن الوردی (در گذشته ۷۴۹ ق)، در کتاب فریده

العجایب: بحر فارس .

- ابن بطوطه (در گذشته ۷۷۷ ق)، در کتاب مشهور به رحله:

بحر فارس .

- قلقشنری (در گذشته ۸۲۱ ق)، در کتاب صبح الاعشی:

بحر فارس .

- حاجی خلیفه (در گذشته ۱۰۶۷ ق)، در کتاب جهان نما

(ترکی): بحر فارس .

- شمس الدین محمد سال، در قاموس الاعلام (قرن سیزدهم

قمری): خلیج بصره .

- البستانی، در دایره المعارف البستانی (طبع ۱۸۸۳ م):

الخیج العجمی [تکمیل همایون، ۱۳۸۰: ۲۹ و ۳۰].

توماس بانستر در سفر پنجمش از روسیه به ایران در سال

۱۵۵۹، از خلیج فارس با نام «سینوس پرسیکوس» که بین ایران و

سرزمین اعراب قرار گرفته است، نام می برد. این ترجمه‌ی لاتین

خلیج فارس، در بسیاری از نقشه‌های قرون شانزدهم و هفدهم مورد

استفاده قرار می گرفت .

اصطلاح «سینوس پرسیکوس» توسط تاریخدان و فیلسوف،

پیتر هلیبن، در کتاب تاریخ جهان که در دهه‌ی ۱۶۵۰ میلادی نوشته

شد، به کار رفته است. نقشه‌های به جا مانده از گذشته نیز بیانگر

به کار بردن نام خلیج فارس از دیر زمان هستند. از دوره‌ی نقشه‌ی

جهانی پتولی مسین تاکنون، نام خلیج فارس بارها در نقشه‌های

جهانی به کار برده شده است. جان اسپید در تصویری از مهم ترین

نقاط جهانی یعنی آسیا، افریقا، اروپا و آمریکا (۱۶۲۹ م)، در

مقیاس کوچک در نقشه‌ی آسیا به خلیج فارس، به دریای عربی و

دریای هند اشاره می کند .

در تاریخ جدید نیز تقریباً همه‌ی دایره المعارف‌های مهم جهان،

به نام خلیج فارس و نه خلیج عربی اشاره کرده‌اند. برای مثال، اولین

دایره المعارف جهان که در سال ۱۷۵۱ م در فرانسه به چاپ رسید، به

خلیج فارس با نام «پرسیکوس سینوس»^۴ اشاره می کند. دایره

المعارف‌های آمریکانا و بریتانیکا نیز به نام خلیج فارس اشاره می کنند.

دایره المعارف بریتانیکا می گوید: «خلیج فارس دریایی است که بین

شبه جزیره عربی و جنوب ایران قرار گرفته است.» در دایره المعارف

اسلامی نیز به خلیج فارس با نام بحر فارس اشاره شده است.

[نیک ضمیر و حجتی، ۱۳۸۲: ۱۳].

خلیج فارس با همین نام آن چنان دیرینه است که عده‌ای عقیده

دارند، خلیج فارس گهواره‌ی تمدن عالم با مبداء پیدایی نوع بشر

است. از آن جا که این نام برای اولین بار در منابع معتبر تاریخی

توسط غیر ایرانیان نوشته شده است. هیچ گونه شائبه‌ی نژادی در منابع

آن وجود ندارد.

در کتاب «حدود العالم» که یک هزار سال پیش تألیف شده و

قدیمی ترین کتاب موجود در دانش جغرافیا به زبان فارسی به شمار

می رود، در خصوص این دریا آمده است: «خلیج پارس از حد پارس

برگیرد، با پهنای اندک تا به حدود سند.»

در نوشته‌های غربی این دریا با نام پرسیکوس سینوس یا پرسکیوم

ماره^۵ آمده است (لغت‌نامه‌ی دهخدا).

در قرن اخیر، نام «بحر فارس» به «خلیج فارس» تبدیل شده و

ترجمه‌ی آن در زمان‌های گوناگون مورد استفاده بوده است؛ چنان

که در کشورهای انگلیسی زبان به نام "Persian Gulf" و در زبان فرانسه

به نام "Golf Persique" در زبان روسی "Persidski Zalive" در زبان

ترکی "Farsi Korfozi" و در ژاپن به نام "Perusha wan" نامیده می شود

[مجتهدزاده، ۱۳۵۴: ۴۸].

استرابون^۶ معروف به پدر علم جغرافیا (مقارن با میلاد مسیح) و

بسیاری از مورخان یونانی، اسم‌های چهار دریا به نام‌های خلیج روم

(مدیترانه امروز)، خلیج عربی (دریای سرخ امروزی)، خلیج فارس

و دریای خزر را در آثار خود ذکر کرده‌اند.

ابن فقیه در کتاب «البلدان» (سال ۲۷۹ ق) در باره‌ی اصالت

این مدعا می نویسد: «منظور از دو دریایی که در آیات شریفه‌ی بیستم

و بیست و یکم و بیست و دوم سوره‌ی مبارکه‌ی الرحمن قرآن مجید

آمده است. دریای فارس و دریای روم بوده است.»

در کتاب «المسالک الممالک» (چاپ ۱۸۸۹ م) که گویاترین اثر

جغرافیایی است، راجع به خلیج فارس آمده است: «دریای فارس

مشمول است بر بیش تر حدود فارس.»

در کتاب «معجم البلدان» درباره‌ی دریای فارس آمده است که

شعبه‌ی بزرگی است از دریای هند [ربیع، ۱۳۶۲: ۱۲۱، ۱۲۲ و

۱۲۳].

البته جست و جو در سفرنامه‌ها یا کتاب تاریخی، بر حجم سندهای خدشه ناپذیری که خلیج فارس را «خلیج فارس» گفته‌اند، می‌افزاید.

سابقه‌ی جعل عنوان خلیج و هدف‌های بیگانگان

درباره‌ی نام خلیج فارس، تا اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ م هیچ‌گونه بحث و جدلی در میان نبوده و در تمام منابع اروپایی، آسیایی، آمریکایی، دایره‌المعارف‌ها و نقشه‌های جغرافیایی این کشورها، نام خلیج فارس در تمام زبان‌ها به همین نام ذکر شده است. اصطلاح «خلیج عربی»، برای نخستین بار از طرف یکی از نمایندگان سیاسی انگلیس در خلیج فارس به نام سرچارلز بلگوییو عنوان شد و در واقع او بوده که به قصد ایجاد تفرقه بین ایران و کشورهای عرب، این تخم لُق را در دهان اعراب شکسته است. سرچارلز بلگوییو که بیش از ۳۰ سال نماینده‌ی سیاسی و کارگزار دولت انگلیس در خلیج فارس بود، بعد از مراجعت به انگلستان در سال ۱۹۶۶، کتابی درباره‌ی سواحل جنوبی فارس منتشر کرد و در آن برای اولین بار نوشت: «عرب‌ها ترجیح می‌دهند، خلیج فارس را خلیج عربی بنامند.»

این نماینده قطعاً قبل از انتشار کتاب و مراجعت به انگلستان، در تماس با مقامات امارت جنوبی خلیج فارس، این فکر را به آن‌ها القا کرده است و تصادفی نیست که بلافاصله پس از انتشار کتاب سرچارلز بلگوییو که نام قبلی سواحل جنوبی خلیج فارس، یعنی «ساحل دزدان» را روی کتاب خود نهاده بود، اصطلاح «الخلیج العربی» در مطبوعات کشورهای عربی رواج پیدا می‌کند و در مکاتبات رسمی به زبان انگلیسی نیز اصطلاح «آراییان گولف»، جایگزین اصطلاح معمول و رایج قدیمی «پرشین گولف» می‌شود.

دولت ایران در همان زمان، در برابر این نام مجعول عکس‌العمل نشان داد و گمرک و پست ایران، از قبول محموله‌هایی که به جای خلیج فارس نام خلیج عربی روی آن نوشته شده بود، خودداری کرد. ایران همچنین، در مجامع و کنفرانس‌های بین‌المللی نیز در صورت به کار بردن این اصطلاح ساختگی از سوی نمایندگان کشورهای عرب، عکس‌العمل نشان می‌داد. [طلوعی، اینترنت، سایت خبرگزاری میراث فرهنگی].

با اوج‌گیری ناسیونالیسم عربی در دهه‌ی ۱۹۶۰، و به ویژه اوج‌گیری ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای، منازعه بر سر نام خلیج فارس شدت گرفت. در این زمان، بسیاری از کشورهای عربی به ویژه عراق، سوریه، لیبی و مصر، خوزستان یعنی استان جنوب غربی ایران را عربستان نامیدند. به ویژه عراق، در مقاطع گوناگون، ادعای مالکیت بر این استان را کرده است.

حتی برخی از اعراب معتقد بودند، خوزستان مانند فلسطین جزو قلمروی اعراب است که توسط قدرت خارجی اشغال شده است. بعد از معاهده‌ی حسن هم‌جواری ایران و عراق (۱۹۷۵) نیز، معمر قذافی حامی گروهی بود که سعی کردند، به اصطلاح مرزهای عربستان را تعیین کنند.

وجود ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای و تنها دولت غیر عربی در منطقه موجب شده بود، اعراب با قدرت ایران در منطقه به چالش برخیزند و از آن‌جا که از نظر امکانات اقتصادی و جمعیتی از ایران ضعیف‌تر بودند، سعی داشتند، در این زمینه از تبلیغات بهره بگیرند



در نتیجه‌ی خود کم بینی، دولت‌های عربی کوشیدند، توطئه‌ی سیاسی تغییر نام خلیج فارس را پیش بگیرند و بر آن اصرار بورزند. در این جهت سعی کردند، حمایت بین المللی را نیز جلب کنند که موفقیتی به دست نیاورده اند [حجتی، ۱۳۸۲: ۱۴ و ۱۵].

در کتاب «بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران، عراق» که ناشر آن دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وابسته به وزارت امور خارجه است، در خصوص جعل نام خلیج فارس این گونه آمده است: «برخورد ناسیونالیسم عرب با ناسیونالیسم ایران، به صورت اختلاف بر سر نام خلیج فارس بروز کرده است. درحالی که مردم جهان آن را به نام خلیج فارس می شناسند، عراق و برخی دیگر از کشورهای عربی آن را خلیج عربی می نامند. دعوای خلیج عربی را مصر و سوریه در سال‌های ۴۰ ش، زمانی که جمال عبدالناصر، دولت ایران را مورد انتقاد قرار داد، بنیان نهادند. در سال‌های بعد، رهبران عراق، لیبی، بعد جدیدی به این مسأله دادند، حتی ایران را کشوری بیگانه در خلیج فارس نامیدند. سرهنگ قذافی، رهبر لیبی، خلیج فارس را فلسطین دوم نامیده بود؛ بدین معنی که ایران از نیروهای خارجی است که خود را در منطقه به زور وارد کرده است» [جعفری ولدانی، ۱۳۶۷: ۴۱۵].

یکی از مقامات عراقی نیز در این مورد اظهار داشته بود: «... خلیج (فارس) متعلق به اعراب بوده است و ایران فقط مدت‌ها آن را اشغال کرده بود. اگر بشود این نوع روابط را حقوق تاریخی نامید، اروپاییان هم می توانند به آفریقا و آمریکا و آسیا بازگردند... ایران در خلیج بیگانه است و نباید در خلیج (فارس) مداخله کند و حتی نسبت به ثروت خلیج (فارس) ندارد؛ زیرا خلیج (فارس) متعلق به اعراب است». [کیهان، ۱۲ مهر ۱۳۴۸، به نقل از: جعفری والدانی، ۱۳۶۷].

دولت عراق در این مورد، حتی یک یادداشت وزارت امور خارجه‌ی ایران را به این بهانه که در آن نام خلیج فارس به جای «خلیج عربی» به کار رفته، رد کرده بود [کیهان، ۱۴ مهر ۱۳۵۳].

به این ترتیب، دولت بعثی عراق با داشتن کم تر از ۵۰ کیلومتر ساحل در خلیج فارس، ایران را با ۸۵۰ کیلومتر کرانه که از دهانه‌ی فاو آغاز می شود و تا تنگه‌ی هرمز ادامه دارد، در خلیج فارس بیگانه می نامد.

در مورد نام خلیج فارس، دولت ایران چنین اعلام کرده بود: «(دولت ایران) با توجه به سیاست خود مبنی بر حفظ اسامی جغرافیایی مشترکی که از لحاظ تاریخی شناخته شده و مورد قبول اندیشمندان، مورخان، جهانگردان، جهانگشایان و جغرافیدانان گذشته و حال قرار گرفته اند و جلوگیری از هرگونه تحریف و قلب واقعیات تاریخی این اسامی، نامی جز نام اصیل و تاریخی و واقعی خلیج فارس برای مجموعه آب‌هایی که از دهانه‌ی شط العرب تا تنگه‌ی هرمز گسترده

شده است، نمی شناسد.»

به همین دلیل، وقتی در دی ماه ۱۳۵۴ وزرای اطلاعات هفت کشور عربی حوزه‌ی خلیج فارس (عراق، کویت، عربستان سعودی، عمان، قطر، بحرین و امارات متحده عربی) طی اجتماع خود در ابوظبی اعلام داشتند که در نظر دارند، خبرگزاری واحدی با عنوان «خلیج عربی» تأسیس کنند، دولت ایران با فراخواندن ناگهانی سفرای خود از هفت کشور مذکور، واکنش شدیدی نشان داد.

وزیر خارجه‌ی ایران ضمن اعتراض شدید به تغییر نام خلیج فارس به «خلیج عربی»، به کشورهای مزبور اخطار کرد، چنانچه در این تصمیم خود تجدید نظر نکنند، باید منتظر اقدام‌های متقابل ایران و تجدیدنظر دولت ایران در سیاست دوستانه‌ای باشند که تاکنون با این کشورها داشته است.

نکته‌ی جالب آن که برخی از این کشورها مانند کویت، در قراردادهایی که در قرن نوزدهم امضا کرده‌اند، نام خلیج فارس را به کار برده‌اند [جعفری ولدانی، ۱۳۶۷: ۴۱۶]. جنگ سرد تبلیغاتی بر سر نام خلیج فارس، یکی از عواملی بود که موجب شد، دولت ایران در صدد تقویت نیروهای نظامی خود برآید. وزیر امور خارجه‌ی ایران، افزایش بودجه‌ی نظامی کشور به میزان ۵۰ درصد را چنین توجیه کرد: «هنگامی که نماینده‌ی عراق در سازمان ملل متحد ادعا می کند که ایران در خلیج فارس بیگانه است، ما چاره‌ای جز توسل به تدابیر دفاعی نداریم.»

در این میان، موضع‌گیری کشورهای غربی نیز این اختلاف‌ها را تشدید می کرد. آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها برای راضی کردن هر دو طرف، انواع و اقسام نام‌ها را برای خلیج فارس اختراع کرده و به کار می بردند، اما شوروی‌ها از داخل شدن به دعوای خلیج فارس در مقابل خلیج عربی خودداری می ورزیدند و همواره نام واقعی این راه آبی را به کار برده‌اند. [همان، ص ۴۱۶].

با آغاز جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۰م، دولت‌های عربی، به ویژه آن‌هایی که از انقلاب اسلامی در هراس بودند، تلاش بیش‌تری کردند که جامعه‌ی بین المللی، از نام جعلی خلیج عرب به جای خلیج فارس استفاده کند، اما این بار نیز با شکایت مواجه شدند.

در نیمه‌ی نخست بهمن ماه سال ۱۳۷۰ ش، سر ویراستار «سازمان ملل متحد» با اشاره به اعتراض‌های پیاپی نمایندگان ایران در آن سازمان، به استفاده از نام ساختگی خلیج عرب در اسناد این سازمان، از کارکنان سازمان ملل خواسته است، اعتراض دولت ایران را همیشه در نظر داشته باشند. کار به جایی رسید که در یازدهم شهریور ماه سال ۱۳۷۱، هنگامی که حیدر ابوبکر العطاس، نخست‌وزیر جمهوری یمن در اجلاس سران جنبش عدم تعهد که در «جاکارتا» پایتخت اندونزی برگزار

زیرنویس:

1. National Geographic
2. Nar Marratu
۳. برای آگاهی بیشتر مراجعه شود به خلیج فارس در متون یونانی، لاتین و تازی، سعید نفیسی، نشریه ی وزارت امور خارجه، سال دوم، شماره ی ۸، تهران، ۱۳۷۷.
4. Persicus Sinus
5. Persicum Mare
6. Strabo

منابع

- ۱- تکمیل همایون، ناصر. از ایران چه می دانیم؟ (خلیج فارس). دفتر پژوهش های فرهنگی. چاپ دوم. ۱۳۸۰
۲. نیک ضمیر، عباس و حجتی، احسان اله. امنیت و خلیج فارس تهدیدها و راهبردها. انتشارات پرسمان. تهران. ۱۳۸۲
۳. امت علی، سارا. سایت اینترنتی خبرگزاری میراث فرهنگی. میراث خیر. گروه هنر: www.chn.ir/show_news.asp2no_1383/10/8
۴. مجتهدزاده، پیروز. جغرافیای تاریخی خلیج فارس. دانشگاه تهران. ۱۳۵۴.
۵. ربیعی، بدیع. جغرافیای مفصل ایران. جلدهای اول و دوم. انتشارات اقبال. تهران. ۱۳۶۲.
۶. الهی، همایون. خلیج فارس و مسائل آن. نشر قومس. تهران. ۱۳۷۰.
۷. جعفری ولدانی، اصغر. بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق. دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، وابسته به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۶۷.
۸. طلوغی، محمود. سایت اینترنتی خبرگزاری میراث فرهنگی با عنوان به مناسبت اعتراض ایران به جعل عنوان خلیج فارس در ۴۶ سال پیش (خلیج فارس، از دوران باستان، فارس نام داشته است) ۱۳۸۳/۱۰/۸.
۹. سایت اینترنتی پندار. نت، ۱۰ دی ۱۳۸۳ www.Pendar.net با عنوان: «خلیج فارس» تنها نام برای آب های نیلگون جنوب ایران.

معرفی منابع برای اطلاع بیشتر

۱. وجه تسمیه خلیج فارس. اداره ی نهم سیاسی. وزارت امور خارجه ایران. تهران (بی تا).
۲. مشکور، محمد جواد. نام خلیج فارس. سمینار خلیج فارس. جلد اول. تهران. ۱۳۴۳.
۳. نفیسی، سعید. خلیج فارس در متون یونانی و لاتین و تازی. نشریه ی وزارت امور خارجه. شماره ی ۸. دوره ی دوم. آذر ۱۳۳۷.
۴. ویلن، سرآرنولد. خلیج فارس. ترجمه ی محمد سعیدی. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. تهران. چاپ دوم. ۱۳۶۶.
۵. بدیمی، ربیع. «چند نکته درباره ی خلیج فارس». مجله ی دانشکده ی ادبیات دانشگاه تهران. ۱۳۵۶.

می شد، از نام ساختگی خلیج عربی استفاده کرد، با اعتراض شدید نمایندگان ایران روبه رو شد. او سرانجام از نمایندگان ایران عذرخواهی کرد و این عمل را غیر عمد خواند. [اینترنت، سایت پندار، ۱۳۸۳].

از نظر آمریکای ها و اروپایی ها، این منطقه «شریان حیاتی غرب» در منطقه ی «راهبردی عربی» و «حوزه ی منافع ویژه» است. بنابراین اگر قادر باشند، خلیج فارس را به طور مستقیم یا غیر مستقیم تحت تسلط خود درمی آورند.

اما واقعیت این است که خلیج فارس، یک نام کهن تاریخی است که از بدو تاریخ، روی این خلیج گذاشته شده است و انگیزه ی هدف از تلاش حساب شده ای که برای تغییر این نام به عمل می آید، جز ایجاد فتنه و اختلاف بین کشورهای این منطقه نیست. همان گونه که در مقدمه ی این مقاله آمده است، آخرین اقدام مربوط می شود به مؤسسه ی نشنال جئوگرافیک که در اطلس خود، عبارت جعلی «خلیج عربی» را کنار نام «خلیج فارس» قرار داده بود که از این اقدام خود عقب نشینی کرد.

نتیجه گیری

بنابر آنچه گذشت، نام گذاری خلیج فارس با صفت عربی، ریشه ی جدیدی دارد. اصولاً استفاده از نام خلیج فارس همان گونه که ذکر شد، به زمان های گذشته ی امپراطوری ایران (قدرت مسلط منطقه) باز می گردد. از آن جا که اعراب آن سوی خلیج فارس تا بعد از جنگ جهان دوم عاری از هرگونه هویت سیاسی و قومی منسجمی بودند، خلیج همواره توسط مردم درون و بیرون از منطقه، خلیج فارس نامیده می شده است.

جنگ سرد تبلیغاتی بر سر نام خلیج فارس، موضع گیری کشورهای غربی در راستای سیاست اختلاف بینداز و حکومت کن، برانگیختن احساسات ناسیونالیستی اعراب، ایجاد فتنه و اختلاف بین کشورهای منطقه و به تبع آن، حفظ منافع خود در حوزه ی خلیج فارس به خصوص نفت، از جمله عواملی هستند که برای تخییر نام خلیج فارس مطرح می شوند.

ژان ژاک پرینی، نویسنده ی کتاب «خلیج فارس» اعتراف می کند: «ملل و طوایف بسیاری بر کرانه های خلیج فارس استیلا یافته و فرمانروایی کرده اند، ولی روزگاران سپری شده است و منقرض شده اند. تنها قوم پارس است که با هوش و درایت خود، همچنان پابرجا زیسته و از میراث حاکمیت خود تاکنون نگهداری کرده است [اینترنت، سایت پندار ۱۳۸۳].»

خلاصه آن که نام خلیج فارس، با توجه به قدمت و مبانی مستحکمی که دارد، هنوز در محافل جهانی کاربرد گسترده ای دارد و این امید وجود دارد که با مساعی کشورهای عربی حوزه ی خلیج فارس، خصومت بر سر نام این آبراه مهم جهانی برطرف شود.

